

شهدای ماه

یادبود شهدای کارمند دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



شهید عباس شبانی سروش بادرانی

نام پدر: محمود

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۶/۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۷

محل شهادت: شلمچه - کربلای ۵

محل خدمت: مرکز بهداشت اصفهان

فرازی از وصیتنامه

"ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة"

خداوند جان و مال مسلمین را در برابر بهشت خریداری کرده است. سوره توبه آیه ۱۱۱

ما مثل حسین در جنگ وارد شدیم و مثل حسین هم به شهادت می رسیم (از سخنان امام امت) با سلام و درود به آقا امام زمان و نایب برحقش حضرت امام خمینی و با سلام و درود بر شهدای راه خدا، وصیتنامه خود را شروع می کنم. می روم تا به ندای ((هل من ناصرینصرنی)) حسین (ع) لبیک گویم، میروم تا جانم را فدای یک لحظه عمر امام خمینی کنم. خدای من، اگر چه در مسیر طاعت و عبادات تو اعمالم بسی ناچیز است اما در عوض امید من به تو بسی روح افزا و شوق انگیز است. خدای من، چگونه می توانم از درگاه تو محروم بازگردم و حال آنکه به تو بسی خوش گمانم و یقین دارم که با مژده رهایی و رحمت تو باز خواهیم گشت. پدر و مادر عزیزم، می دانم خیلی زحمت به پای من کشیدید و من نتوانستم جبران این همه سختیهای شما را بکنم. مادر عزیزم، بدان که پسری را بزرگ و فدای اسلام کرده ای و اگر بدانی، مادری که پسرش شهید شود در بهشت چه اجرهایی خدا به او می دهد. مادرم بدان که من راهم را انتخاب کردم و تا آخر، این راه را ادامه می دهم. و شما ای برادران عزیزم در شهادت من استقامت داشته باشید و بعد از من راه مرا ادامه بدهید. ای خواهرانم در شهادت من مثل حضرت زینب(س) باشید، مبادا لباسهای سیاه بر تن کنید، اگر گریه می کنید، بکنید ولی فقط برای امام حسین (ع) و اگر گریه می کنید در پیش دشمنان امام و اسلام گریه نکنید که آنها شاد شوند و فرزندان را حسین وار و زینب وار تربیت کنید. درس اسلام را به آنها بیاموزید و حجاب اسلامی را به آنها یاد دهید و خواهرانم، حجاب شما خودش یک جهاد بزرگی است در راه اسلام. من راه خودم را که همان راه سیدالشهدا (ع) است، ادامه می دهم تا به پیروزی برسم. ان شاء الله. همسر عزیز و مهربانم که واقعا حق به گردن من داری، شهادت من برای شما خیلی دردناک است ولی چه می شود کرد دین خدا در خطر است. باید رفت و دفاع کرد از اسلام و آخرین حرف به همسر من این است که اگر خداوند به خواست خودش شهادت را نصیب من کرد و خبر شهادت من به شما رسید مثل کوه استوار باش و استقامت کن همچون زینب (س). همسر عزیزم، فرزندان مرا به مدرسه بفرست تا آنجایی که امکان دارد درس بخوانند و بتوانند نسل آینده این مملکت باشند و کمکی به جامعه و اسلام کنند و اگر در این مدت که باهم زندگی کردیم، من بد اخلاقی و تندمی کردم، امیدوارم که مرا ببخشی و حلالم کنی و از کلیه قوم و خویشان و دوستانم می خواهم که اگر در این مدت زندگی از من بدی دیدید، مرا حلال کنید و ببخشید. به امید پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان اسلام و آزادی کربلای حسین و قدس عزیز. امام را تنها نگذارید که ما هر چه داریم از این پیر جماران است، همیشه امام را دعا کنید همچنین برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید.